

متن پارتی مانوی تصلیب عیسی (M18+M2753) و تأثیرپذیری آن از انجیل یوحنا

حمیدرضا اردستانی رستمی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۳]

چکیده

پژوهندگان کیش مانوی بسیار اشاره کرده‌اند که کیش مانوی از جمله فرقه‌های گنوسی است. گنوسی‌ها از میان انجیل‌های رسمی، انجیل یوحنا را برگزیده‌اند؛ از آن‌روی که در بردارنده عناصر گنوسی درباره تصلیب و رستاخیز عیسی مسیح است. از آنجا که مانوی و مانویان انجیل‌های رسمی را به گفته ابوریحان بیرونی مجعول می‌دانستند، از اصلی انجیل‌های رسمی استفاده نکرده‌اند. نگارنده در پژوهش پیش رو نشان خواهد داد که مانوی و مانویان دست‌کم از انجیل یوحنا که گنوسیان به این انجیل توجه داشته‌اند، به دلیل داشتن گرایش‌های گنوسی، مستقیم یا غیرمستقیم بهره برده‌اند؛ بر همین بنیان، یکی از متن‌های پارتی مانوی درباره تصلیب (ویراسته انریکو مورانو) را برگزیده و در پی مطابقت و سنجش آن با انجیل یوحنا برآمده تا ویژگی‌های گنوسی متن پارتی را بازنماید.

کلیدواژه‌ها: تصلیب، رستاخیز، عیسی، مانوی، انجیل یوحنا.

مقدمه

مانی کیشی را بنیان نهاد که برای زمانی طولانی فرهنگ ایران و دیگر فرهنگ‌ها را متأثر ساخت؛ به گونه‌ای که این کیش تا دوره مغولان در ایران، به‌ویژه در خراسان هواخواه داشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۱) و در سده‌های سوم و چهارم میلادی تا امپراتوری روم، شمال و بخش جنوبی گُل، دالماسی (یوگسلاوی)، اسپانیا، مصر، افریقای شمالی، فلسطین، سوریه، آسیای صغیر و در قرن هشتم میلادی تا آسیای میانه، مغولستان و امپراتوری بزرگ اویغوری گسترش یافت (نیولی، ۱۳۷۳: ۱۴۱-۱۴۲؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۲، ۹۴). این اندیشه به گونه‌ای راه خود را به قرن ده میلادی، در میان بوگومیل‌ها در بلغارستان نیز گشود و کاتارهای جنوب فرانسه و شمال ایتالیا را در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی متأثر ساخت، تا آنجا که نام «مانویّت جدید» یا «آیین مانوی سده‌های میانه» بر آن نهادند (سولیانو، ۱۳۷۳: ۶۱؛ نیولی، ۱۳۷۳: ۱۴۴). البته این اندیشه در میان مسلمانان نیز راه جست. در سده نهم میلادی گروه‌هایی چند از گنوسی‌ان مسلمان از جنوب عراق برخاستند که پرآوازه‌ترین آنان اسماعیلیان هستند و اندیشه‌های گنوسی در آنان رواج داشته است (سولیانو، ۱۳۷۳: ۶۰؛ کیسپل، ۱۳۷۳: ۳۰). کیش مانی با همه این تأثیرگذاری‌ها، خود از مسیحیان گنوسی متأثر شد. اکنون این پرسش را با توجه به این تأثیرپذیری می‌توان مطرح کرد که آیا مانی و مانویان انجیل‌های رسمی را دیده و خوانده‌اند؟ یا واسطه‌هایی در این میان بوده (همانند انجیل‌های جعلی)^۱ و مانویان از طریق آن به انجیل‌های رسمی دسترسی یافته‌اند؟

تقی‌زاده از فرانسیس بورکیت نقل می‌کند «که وی [مانی] چهار انجیل را اصلاً نخوانده و معرفتی به آنها نداشته و اطلاع او از دین عیسوی مختصراً از انجیل مرقیون^۲ و نوشتجات مؤسس آن مذهب و تا حدی هم از نوشتجات قدیس پاولوس (بولس) ... و شاید از انجیل پطرس بوده است» (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۲۱، ۵۸). این سخن بورکیت را جی. گ. دیویس نیز تأیید می‌کند. او معتقد است آنچه درباره عیسی نقل شده، ترجمه بازبینی شده‌ای از انجیل است، همراه با برخی از رسالات عهد جدید که تغییر کرده و در مجموع، شیوه‌ای مرقیونی دارد (دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۵)؛ به این معنا که همان اندیشه‌های مرقیون را دارد، مانند عاری‌بودن عیسی از زایش و مرگ. مرقیون عیسی را موجودی آسمانی می‌پندارند که برای رستگاری روح انسان آمده است (بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴: ۱۵۱) و همین اندیشه را مانویان نیز دارند؛ چنان‌که در زبور مانوی استغاثه به عیسی و نجات‌بخشی او را بسیار می‌بینیم (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۹۲، ۹۹). از دیگر شباهت‌های مانویان

به مرقیون را باید در رد کتاب عهد عتیق و پیامبر آن، یعنی موسی و برگزیدن خدای عیسی، در جایگاه خدایی متعالی دید (زوندرمان، ۱۳۹۳: ۱۳۳؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۸، ۶۳)؛ بدین‌سان اغلب پژوهشگران معتقدند مانی در کیش خویش بسیار از مرقیون متأثر بوده است (Lieu, 1992: 53-54).

البته باید پذیرفت که دین عیسی در چارچوب‌بندی کیش مانی تأثیر داشته است؛ چنان‌که طبقه‌بندی دینداران به ۱۲ حواری و ۷۲ نفر اسقف و ۳۶۰ کشیش به پیروی از انجیل شکل گرفته است (لوقا، ۶: ۱۳-۱۵، ۹: ۱-۷، ۱۰: ۱-۲؛ دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۵). از دیگر تأثیرپذیری‌های مانی از مسیحیت، روزه‌داری است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۷) که در باورهای ایرانی‌های زردشتی، کوچک‌ترین سابقه‌ای ندارد و باید از مسیحیت به کیش مانی راه بسته باشد (شکری فومشی، ۱۳۸۲: ۵۳). همین‌طور نماز عشاء ربّانی که نزد مانویان بسیار ساده برگزار می‌شد و یادآور داستان زندگی مانی و شهادت وی بود (نیولی، ۱۳۷۳: ۱۴۳)، اعترافات سالانه مانویان که نیوشاگان در برابر گزیدگان زانو می‌زدند و به گناه اعتراف می‌کردند (دکره، ۱۳۸۰: ۱۳۷) و عید پاک (همان: ۱۳۹) همگی متأثر از مسیحیت شکل گرفت. این نکته را هم از یاد نبریم که مانویان مرگ مانی را همچون عیسی وصف کرده‌اند (همان: ۷۷-۷۹؛ کلیم‌کایت، ۱۳۸۴: ۴۰) و هنگام وصف چگونگی مصلوب کردن مانی، به تصلیب عیسی نیز اشاره داشته‌اند و «مغان پرستاران آتش» کشنده مانی را به «کریه‌یهودان»، کشنده عیسی، تشبیه کرده‌اند (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱، ۴۷). کردیر، موبد موبدان دربار بهرام ساسانی نیز که مقدمات کشتن مانی را فراهم می‌کند، یادآور قیافا، بزرگ کهنه یهودیان، است که سبب تصلیب عیسی می‌شود.

این پرسش همچنان پابرجا است که: با این همه بهره‌گیری و تأثیرپذیری از مسیحیت، آیا مانی انجیل چهارگانه را دیده است یا نه؟ چگونه مانی خود را فرستاده عیسی می‌داند (کفالا، ۱۳۹۵: ۱۴، ۱۶؛ زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ Lieu, 1992: 30-31) و معتقد است هر آنچه را عیسی به رمز گفته، او شرح کرده است (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۰، ۳۱) اما انجیل‌های رسمی در پیوند با عیسی را بنا بر سخن پژوهشگران ندیده است؟ ابوریحان در آثار الباقیه آورده است که پیروان مانی مدعی انجیلی متعلق به مانی بودند که آن را حقیقی می‌پنداشتند و دیگر انجیل‌ها را مجعول تلقی می‌کردند (همان: ۳۳). ما می‌دانیم که مانی آثار خود را به زبان سریانی نوشته و بعدها شاگردان و

پیروان او آنها را به زبان‌های ایرانی برگردانده‌اند. شاید همین جعلی‌پنداشتن انجیل‌های رسمی، باعث شده است مترجمان مانوی، تا آنجا که ممکن بوده از بازتاب انجیل‌های رسمی در ترجمه بکاهند؛ اما روشن است که نتوانسته‌اند تأثیر انجیل‌ها را بر متن‌های مانوی کاملاً بزدايند؛ چنان‌که به گفته یکی از پژوهشگران مانویّت، نمی‌توان اقتباس‌های ادبی مانی را از انجیل‌های رسمی، به‌ویژه متنی نادیده گرفت (شکری فومشی، ۱۳۸۲: ۵۲).

در این پژوهش، برآنیم که نشان دهیم مانی و مانویان، مستقیم یا غیرمستقیم، مانند همه فرقه‌های گنوسی از یکی از اناجیل رسمی، یعنی انجیل یوحنا، تأثیر پذیرفته‌اند. یکی از پژوهندگان متن‌های گنوسی در این باره می‌نویسد: «انجیل یوحنا ... کتابی قابل توجه است که بسیاری از مسیحیان گنوسی آن را به خود منسوب می‌کنند و به عنوان منبعی دست اول از تعالیم گنوسی به کار می‌برند» (پیکلز، ۱۳۹۴: ۱۹۵)؛ بنابراین، طبیعی است که کیشی گنوسی چون مانویّت که بیشتر محققان به گنوسی‌بودن آن اشاره داشته‌اند (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۰: ۲۶۱؛ کیسپل، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۹؛ نیولی، ۱۳۹۵: ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۹؛ دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۳؛ آسموسن، ۱۳۷۳: ۱۷۱؛ کلیم‌کایت، ۱۳۸۴: ۴۷) نیز از این انجیل تأثیر پذیرفته باشد؛ از همین‌روی، متنی پارتی (M18+M2753) را دربارهٔ تَصْلِیبِ مَسِيحِ برگزیده‌ایم که خواننده و ویراستهٔ انریکو مورانو است تا میزان تأثیرپذیری مانی و مانویان را از انجیل یوحنا (انجیل رسمی پذیرفته‌شدهٔ گنوسی‌ها) بسنجیم. البته باید توجه داشت که اغلب استفادهٔ مانویان از اناجیل و توجه به عیسی مسیح، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، بیشتر برای بیان باورهای مانوی و همانندسازی زندگی مانی به عیسی بوده است.

پیش از این پژوهندگانی به ترجمه و بررسی متن‌های تصلیبی پرداخته‌اند. حسن رضایی باغبیدی در مقاله‌ای با نام «محاكمه و مصلوب‌کردن عیسی مسیح در متون مانوی» به ترجمه و بررسی چند متن مانوی دربارهٔ تصلیب پرداخته و آن را با انجیل‌های رسمی مسیحی سنجیده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۱-۱۱۷) که همگی این متن‌ها را مری بویس با نشانه‌های اختصاری bw, bx, by, bya, byb, byc, byd در کتاب بررسی ادبیات مانوی در متن‌های پارتی و پارسی میانه آورده است (-Boyce, 1975: 126). مهرداد بهار و ابوالقاسم اسماعیل‌پور نیز در کتاب ادبیات مانوی، همان متن‌های تصلیب پیش‌گفته را در اثر بویس، ترجمه کرده‌اند و بر آن تعلیق نگاشته‌اند (بهار و

متن پارتی مانوی تصلیب عیسی (M18+M2753) و تأثیرپذیری آن از انجیل یوحنا / ۳۳

اسماعیل پور، ۱۳۹۴: ۳۶۰-۳۴۹). دیگر پژوهنده، انریکو مورانو، نیز به بازسازی این متن‌ها پرداخته و بخشی از متن‌های چاپ‌نشده را با نام «مروری بر بزرگ‌ترین سرود تصلیب پارتی» منتشر کرده است (Morano, 1998: 131-143). پس از این مورانو در جستاری، متن‌هایی چاپ‌نشده را منتشر می‌کند و آن‌گونه که خود می‌گوید، می‌کوشد ویراستی فهم‌پذیرتر از قطعه‌های به‌جامانده پارتی «سرودهای تصلیب» به دست دهد. او معتقد است اگرچه این سروده‌ها یادآور عیسای تاریخی است، برای مانویان یادآورنده رنج روح زنده^۳ و رستاخیز مسیح، در پیوند با رهایی روح و بازگشت او به قلمرو روشنی بوده است. مورانو معتقد است همه این متن‌ها از ارمی و سریانی ترجمه نشده و بخشی از آن اصالتاً به زبان پارتی نگاشته شده است. همچنین قطعه‌هایی را آورده که به واسطه درون‌مایه‌شان، آن را سرودهای تصلیب عیسی تشخیص داده است (Morano, 2000: 398-429).

نگارنده پس از این، یکی از متن‌های مانوی پارتی را برمی‌گزیند (M18+M2753) و ضمن حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه، به گزارش آن می‌پردازد و درباره میزان تأثیرپذیری متن مانوی از انجیل گنوسی یوحنا سخن خواهد گفت.

۱. حرف‌نوشت متن

d'rwbdgyftyg b's'h'n

M18

R

- 1 r'styft bgpwhr 'st 'wt
- 2 pyltys wy' wrd kw 'z wnwh
- 3 'c 'ym bgpwhr gwxn 'byy'd
- 4 'hym°° qtrywn'n u 'strywtn
- 5 'c pyltys frm'n 'wh pdgryft
- 6 kw 'ym r'z 'ndrz d'ryd 'wt
- 7 yhw'd'n wxd dhynd pdkyšg°° byd
- 8 'bdysyd kw pd 'ywšmbt pd
- 9 mwrwg'g sr 'gd mrym šlwm
- 10 mrym 'd 'b'ryg ws jnyn
- 11 'wš'n bwd'c'r wxš nyrđ
- 12 »' wrd°° nzd 'w dxmg 'bnft 'hynd
- 13 'wš'n 'b[13-14
- 14 fry[štg 17-18

V

- 1 wynyd wrc pdycg wyg'hyft
- 2 cy qyrd mrym šlwm 'wt
- 3 'rsny'h kd dw fryštg 'w
- 4 hwyn pwrmynd kw m' jywndg
- 5 'd mwrđg'n wx'zyd°° yyšw'
- 6 sxwn 'by'd d'ryd cy pt
- 7 glyl'h 'w 'šm'h
- 8 wy'fr'št kwm 'bysp'rynd
- 9 'wt qrynd d'rwbdg hrđyg
- 10 rwc 'c mwrđ'n 'xyz'n°°
- 11 pt nydf'r šwyd 'w glyl'h
- 12 'wt 'zd qryd 'w šymwn 'wt
- 13 12-13]'b'ryyg
- 14 17-18](k)w

M2753

R

- 1 (x)w(d)['y 14-15
- 2 dšn 'rg w'x[t 11-12
- 3 'syd yyšw ny 'yd[6-7
- 4 7-8] (w)x'zyd°° qyrd '[2-3
- 5 12-13]dyd w(y)['g
- 6 traces of two letters

V

- 1 bits of letters
- 2 13-14](')n kw xwd'yn
- 3 4-5](c) dxmg 'zg(r)yft 'wt ny
- 4 z'](n)'m kw bwrđ u '[6-7
- 5 5-6 h]rw dw 'dgd[8-9
- 6 8-9](.)'n wš[9-10 (Morano, 2000: 404-408).

۲. آوانوشت متن

dārūbdagīftig bāšāhān

M18

R

- 1 vāšīft bay-puhr ast ud
- 2 Pilatis wyāwurd kū az winōh
- 3 až im bay-puhr goxan abēyād
- 4 ahēm. kattriōnān ud istratiyōtān
- 5 až Pilatis framān ōh padγrift

- 6 kũ im rāz andarz dārēd ud
- 7 Yehūdān wxad dahēnd padkēšag. bid
- 8 aβdēsēd kũ pad ēwšambat pad
- 9 murγwāg sar āγad Miryam Šalōm
- 10 Miryam ađ abārīg was žanīn
- 11 ušān bōdāžār wxaš nerd
- 12 āwurd. nazd ō daxmag aβnaft ahēnd
- 13 ušān...
- 14 frēštag...

V

- 1 wēnēd warž padīžag wigāhīft
- 2 čē kird Miryam Šalōm ud
- 3 Arseniyāh kađ dō frēštag ō
- 4 hawīn pursēnd kũ ma žīwandag
- 5 ađ murdagān wxāzēd. Yišō
- 6 saxwan aβyād dārēd čē pad
- 7 Galilāh ō ašmāh
- 8 wyāfrāšt kũm abespārēnd
- 9 ud kirēnd dārūβdāgīftīg hridīg
- 10 rōž až murdān āxēzān.
- 11 pad niđfār šawēd ō Galilāh
- 12 ut azd kird ō Šīmōn ud
- 13 ... abārīg
- 14 ... kũ

M2753

R

- 1 xwadāy ...
- 2 dašn ārag wāxt
- 3 āsēd Yišō nē ēd
- 4 ... wxāzēd. kird...
- 5 ... dīd wyāg
- 6 traces of two letters

V

- 1 bits of letters
- 2 ... ān kũ xwadāyān
- 3 ... až daxmag izγrift ud nē
- 4 zānām kũ burd ud ...
- 5 ... harw dō idγad...
- 6 ... ān ...

۳. ترجمه متن

سرود تصلیب

روی برگ دست‌نویس

- ۱ [به] راستی [او] پورِ بغِ است و
- ۲ پیلاطس پاسخ داد که مرا بنگر [ید]!
- ۳ از این خونِ پورِ بغِ بی‌بهره
- ۴ هستم. پاسبان و سربازان
- ۵ از پیلاطس فرمان چنین پذیرفتند:
- ۶ که این راز [همانند] فرمان دارید و
- ۷ یهودیان خود شمار دهند (حساب پس دهند)؛ اما
- ۸ به نظر می‌رسد که در یک‌شنبه به
- ۹ آغاز خروس‌خوان آمدند، مریم، سالومه.
- ۱۰ مریم به همراه بسیار زنان دیگر
- ۱۱ آنان بوی‌های خوشایند نزدیک
- ۱۲ آوردند. نزدیک به دخمه آمدند
- ۱۳ آنان ...
- ۱۴ فرشته

پشت برگ دست‌نویس

- ۱ بنگرید معجزه را بر بنیان گواهی‌ای
- ۲ که کردند مریم، سالومه و
- ۳ ارسنیه. هنگامی که دو فرشته از
- ۴ آنان خواهند که زندگان
- ۵ در میان (به همراه) مردگان جست‌وجو نکنید.
- ۶ سخن عیسی به یاد دارید؛ چه، به
- ۷ جلیله شما را
- ۸ آموخت که مرا می‌سپارند
- ۹ و کشند به صلیب، سومین

۱۰ روز از [میان] مُردگان برخوردار خواهم خاست.

۱۱ با شتاب روید به جلیله

۱۲ و آگاه سازید شمعون را و

۱۳ ... دیگران

۱۴ ... که

M2753

روی برگ دست‌نویس

۱ خداوندگار ...

۲ پهلوئی راست گفت:

۳ بیایید. مسیح اینجا نیست

۴ [می‌دانم چه] جست‌وجو می‌کنید. کرده است [او رستخیز]

۵ [آنها آمدند] آنجا را دیدند.

۶ (اثر دو حرف)

پشت برگ دست‌نویس

۱ (تعدادی حروف)

۲ ... آن که خداوندگاران

۳ ... از دخمه بیرون شد و

۴ نمی‌دانم که بُرد و

۵ ... هر دو وارد شدند

۶ ... آن ...

۴. گزارش متن

آن‌گونه که آشکار است، این متن روایتی است از به صلیب کشیده‌شدن مسیح که در کلیات با انجیل یوحنا مطابقتی چشمگیر دارد. آن‌گونه که بر آشنایان کیش مانی آشکار است، مانویان چون دیگر گروه‌های گنوسی، تعبیری نمادین از تصلیب و رستخیز عیسی دارند و آن را رخدادی نمادین می‌دانند نه تاریخی (پیکلز، ۱۳۹۴: ۳۳-۶۰). آنان اساساً تن مادی برای عیسی قائل نبودند و معتقد شدند عیسی آمده است تا با زندگی خویش که پاک از هر گونه پلیدی جسم است، سرمشقی زمینی بیاورد (دکره، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

تعبیر نمادین گنوسی‌ها و از جمله آنان مانویان درباره زندگی عیسی، در رخداد مصلوب‌شدن او نیز وجود دارد. از دید مانویان، «سرتاسر طبیعت صلیبی عظیم است که عیسی مصلوب، یعنی روشنی زندانی جداشده از اصل، به آن پیوسته است. این شاخه کل در انتظار آن است که از چوب جدا شود» (همان: ۱۰۲-۱۰۳).

داستان تصلیب مسیح نزدیک است به گرفتاری انسان قدیم، هرمزدبغ، در دست اهریمن. در متن پارتی دیگر (M104+M891b+M1951) مسیح کارکردی همچون هرمزدبغ در اسطوره‌های مانوی می‌یابد:

مسیح را نیا (زروان/ پدربزرگی) [از میان] گزیدگان/گزید، [اهریمن] موج آتشین^۴ برگرفت/خواست که همه بهشت بی‌کرانه را به آتش/بسوزاند. شهریار نیک/جامه خود دگرگون کرد/و با نیرومندی پدیدار شد بر/اهریمن؛ سپس زمین و آسمان/بلرزید و اهریمن فرو افتاد به/مغاک‌ها. گزارشگر راستی شد/دل‌سوز درباره روشنی‌ای/که دشمنان او باریده بودند. او آن را/بالا بُرد از گودال ژرف مرگ، به آن جای اشتیاق که از/آن فرود آمده بود. نماز بر تو [یاد ای از] بزرگی/زاده که رهانیدی/پارسایان خود را (Morano, 2000: 399-400).

مسیح در این متن به گونه‌ای با انسان قدیم، هرمزدبغ، تطبیق می‌یابد که او را پدر بزرگی، زروان، با میانجی‌گری مادر زندگی، برای مبارزه با اهریمن فرا می‌خواند و می‌فرستد که خیال تسخیر سرزمین نور را دارد. گویا نویسنده متن قصد داشته است تثلیث مسیحیت را در اینجا بازگوید.

عمل هرمزدبغ را می‌توان با کنش مسیح سنجید. خداوند، مسیح را می‌فرستد تا با ابلیس بستیزد و نیکی را گسترش دهد؛ اما او در تقابل با دژخیمان شکست می‌خورد و به صلیب کشیده می‌شود؛ ولی مطابق با باور مانویان، رستاخیزی روحانی می‌کند، نه جسمانی؛ آن‌گونه که گنوسی‌ان بدان باور دارند (هالروید، ۱۳۹۵: ۷۶-۷۷) و پس از سه روز از گوری برمی‌خیزد که در آن مدفونش کردند (یوحنا، ۲۰: ۸). همه این داستان یادآور هرمزدبغ و اسطوره او است. زروان برای مقابله با اهریمن که خیال تسخیر قلمرو او دارد، مادر زندگی را فرا می‌خواند و او نیز انسان قدیم را و با پنج فرزندش (اهرسپندان) به جنگ اهریمن می‌فرستد؛ اما او از اهریمن شکست می‌خورد و بدین‌گونه نور با ظلمت می‌آمیزد (Sundermann, 1973: 50-51).

افتادن هرمزدبغ که نمادی است از همهٔ آدمیان گرفتار شده در دست تاریکی، گاه در متون مانوی (قبطی) بازتابی ادبی می‌یابد؛ به این معنا که هرمزدبغ و امهرسپندان (پنج فرزند هرمزدبغ) در کشتی‌ای سوار می‌شوند که این کشتی به دست دزدان (اهریمن) می‌افتد: «کشتی‌ای به توفان برخورد کرده است / و سکان‌دارانش مجروح شده‌اند و آنان که معتمد گنج بودند / به خطر افتادند» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۴). اکنون باید کسی فرستاده شود تا هرمزدبغ و امهرسپندان را رهایی بخشد؛ پس مهریزد گسیل می‌شود و به همراه فرزندان، هرمزدبغ را رهایی می‌بخشد: «کشتی را نیرومند کرد و موج‌شکن بر آن نصب نمود و آن را بالا کشید» (همان: ۲۲۶؛ Sundermann, 1973: 55). چنان‌که می‌بینیم، رهایی هرمزدبغ از دیدگاه مانویان به مانند مصلوب‌شدن مینوی مسیح است. «هرمزدبغ، چونان عیسی، بر چلیپای نور^۵ می‌رود؛ یعنی به آسمان عروج می‌کند [؛ همان‌گونه که در متن قبطی دیده می‌شود]» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۶۳). لازم است یادآوری شود که در متن‌های غربی مانوی نیز فراوان می‌بینیم که مسیح چون هرمزدبغ پنداشته شده است و «نخست‌زاده» خوانده می‌شود که این عنوان، صفتِ هرمزدبغ است (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۲۶، ۱۴۱، ۲۷۲، ۲۹۶).

بنا بر آنچه آمد، می‌بینیم که چگونه عیسی و تصلیب و رستاخیز او سرمشقی برای مانی در بیان اسطوره‌هایش می‌شود. با این مقدمه، به بررسی متن پارتی (M18+M2753) خواهیم پرداخت.

عیسی در متن پارتی در حال بررسی، پورِ بَغ گفته شده است و در انجیل (یوحنا، ۲۰: ۲۱) و همین‌طور متون غربی مانوی (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۸۲) او خود را فرستادهٔ پدر می‌خواند و اساساً همین ادعای او، یکی از اتهامات برای کشتن او است (یوحنا، ۱۹: ۷). بیلاطس در متن، کسی است که در سال ۲۹ میلادی رومیان او را حاکم یهودیه می‌کنند و در اورشلیم به قضاوت می‌پردازد (یوحنا، ۱۸: ۲۸). وی با وجود آنکه درمی‌یابد عیسی را هیچ گناهی نیست و خود نیز بدان اقرار دارد، او را تسلیم یهودیان می‌کند؛ زیرا می‌داند یهودیان از حکومت او خشنود نیستند و می‌خواهد بدین روش دل آنان را به دست آورد (هاکس، ۱۳۸۳: ۲۳۵-۲۳۶). در مزمور ۲۴۱ مانوی، او مزدور هرود، پادشاه روم، گفته شده که مسیح را به چلیپا می‌کشد (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۸۰).

مطابق با انجیل یوحنا، پس از آنکه بسیاری از مردم و حتی سران قوم به عیسی، به واسطهٔ معجزاتی که انجام داده است، ایمان می‌آورند، بزرگان یهودی مضطرب

می‌شوند و تشکیل جلسه می‌دهند و ناراحتی خود را از این واقعه ابراز می‌دارند که این شورکردن آنان دربارهٔ افکندن عیسی، در متن پارتی M4570 (Boyce, 1975: 129) آمده است. آنان معتقدند اگر همه به عیسی روی آورند، رومیان به یهودیه هجوم خواهند آورد و عبادتگاه و قوم یهود را نابود خواهند کرد. قیافا، بزرگ کهنهٔ یهودان، آن که در انجیل مرقیون، مردی با روح شیطان گفته شده (انجیل مرقیون، ۱۳۹۵: ۲۷۵)، می‌گوید اگر یک نفر کشته شود، بهتر از آن است که همه هلاک گردند؛ یعنی باید عیسی را کُشت؛ اما عیسی نیز از آنچه بر او خواهد گذشت، ناآگاه نیست. او درمی‌یابد که به او خیانت خواهد شد. در جمع حواریون خود می‌گوید: «کسی که با من نان خورده است، به من خیانت می‌کند» (یوحنا، ۱۳: ۱۸). از او می‌پرسند: «خائن چه کسی است؟». او در پاسخ می‌گوید: «آن کسی است که من یک لقمه می‌گیرم و به او می‌دهم. آنگاه لقمه‌ای گرفت و آن را به یهودا، پسر شمعون اسخریوطی، داد» (یوحنا، ۱۳: ۲۶)، همان کسی که در متن M459 v گرامی‌ترین دیندار از میان شاگردان عیسی خوانده شده است (Morano, 1998: 132). پس از آن عیسی به یهودا، کسی که «با رشوه‌ای که یهودیان دادندش و از راستی بازگشت و خداوندش را قربانی کرد» (Ibid: 132)، می‌گوید برود و کار خود را به فرجام رساند و یهودا چنین می‌کند. یهودا به همراه سربازانی که کاهنان در اختیارش می‌گذارند، وارد خانه‌ای می‌شود که عیسی در آن است. آنان عیسی را دستگیر می‌کنند و نخست نزد «حنا»، پدرزن قیافا، می‌برند. در داخل کاخ از عیسی دربارهٔ شاگردان و آموزه‌های او می‌پرسند و این بازجویی تا صبح ادامه می‌یابد. پس از این، قیافا او را نزد پیلاطس می‌فرستد. پیلاطس بیرون می‌آید و می‌پرسد: اتهام این شخص چیست؟ آنان پاسخ می‌دهند که اگر گناهی نداشت، دستگیرش نمی‌کردیم. پیلاطس در پاسخشان می‌گوید: پس او را ببرید و مطابق با قوانین مذهبی خودتان محاکمه‌اش کنید؛ اما آنان درخواست کردند که او دستور محاکمه دهد. عیسی را نزد پیلاطس می‌برند. پیلاطس از عیسی می‌پرسد آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟ عیسی می‌گوید: «من یک پادشاه دنیوی نیستم. اگر بودم، پیروانم می‌جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم. پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست» (یوحنا، ۱۸: ۳۶). این گفت‌وگو میان پیلاطس و عیسی در متن M132 دیده می‌شود. جملهٔ پایانی دقیقاً به پارتی ترجمه شده است: «ترجمان راستی [عیسی] به پیلاطس پاسخ داد که شهریاری من در این جهان نیست» (Boyce, 1975: 130).

پس از این، پیلاطس به بیرون کاخ می‌رود و به مردم اعلام می‌کند که او هیچ جرمی مرتکب نشده است. رسم این است که در عید پسخ^۶ (هاکس، ۱۳۸۳: ۶۲۶) زندانی‌ای را آزاد کنند. پیلاطس خطاب به جمع می‌گوید: «آیا می‌خواهید او را آزاد کنم؟». مردم پاسخ می‌دهند: «نه، باراباس را می‌خواهیم!»؛ و او راهزن بود. از پس این خواست مردم، پیلاطس دستور می‌دهد با شلاق عیسی را بزنند. سربازان از خار تاجی می‌سازند و بر سر او می‌گذارند و لباس بلند ارغوانی‌رنگ بر او می‌پوشانند و او را ریشخند می‌کنند و می‌گویند: «زنده باد پادشاه یهود» و به او سیلی می‌زنند (یوحنا، ۱۹: ۱-۳). بازتاب این رخداد در متن M5861 این‌گونه آمده است:

خاموش ایستاد و هیروودویس شاه ... جامه پوشانند و تاج گلی بر سرش نهادند. به نماز (خمیده) می‌آمدند. سرش را پوشانند، با نی به زنج و دهانش می‌زدند و بر چشمانش، آب دهان می‌افکندند و می‌گفتند پیش‌گویی کن ما را ای شهریار مسیح! (Boyce, 1975: 130).

پس از این ریشخندها، پیلاطس باز از کاخ بیرون می‌رود و به یهودیان می‌گوید: «اینک او را نزد شما می‌آورم؛ ولی بدانید که او بی‌تقصیر است» (یوحنا، ۱۹: ۴)؛ یعنی گناه بی‌گناهی او به گردن شما است که در متن در دست مطالعه ما، سخن پیلاطس این‌گونه آمده است: «پیلاطس پاسخ داد که مرا بنگرید (در گفته‌ام تأمل کنید) من از خون پسر خدا، عیسی، بی‌بهره‌ام» و باید خود یهودیان پاسخ‌گویی ریختن خون بی‌گناهی چون مسیح باشند؛ اما همچنان مردمان خواهان اعدام او هستند. پیلاطس می‌گوید خودتان اعدامش کنید؛ به نظر من بی‌تقصیر است. «جواب دادند: مطابق شریعت ما باید کشته شود؛ چون ادعا می‌کند که پسر خدا است» (یوحنا، ۱۹: ۷). در متن M4570 آمده است: «از دهان او شنیدیم ... باید بیفکند او را ...». چه چیزی از دهان عیسی شنیده شده است؟ متن ناقص است. آیا همین ادعا که او پسر خدا است، از دهان او شنیده شده است؟ (Boyce, 1975: 125).

پیلاطس، عیسی مسیح را بیرون از کاخ می‌آورد و برخلاف میلش، او را در اختیار مردم می‌گذارد. سربازان صلیب را بر دوشش می‌گذارند و از شهر بیرون می‌روند تا اینکه به «جمجمه» می‌رسند که آنجا را به زبان عبری «جلجتا» می‌گویند. در آنجا او را با دو نفر دیگر مصلوب می‌کنند. پیلاطس دستور می‌دهد بالای صلیب او بنویسند:

عیسای ناصری، پادشاه یهود. بسیاری آن نوشته را که به زبان عبری، رومی و یونانی بود خواندند؛ چون جایی که عیسی را مصلوب کردند، نزدیک شهر بود. پس سران کاهنان به پیلاتس گفتند این نوشته را عوض کنید و به جای پادشاه یهود بنویسید: او گفت که من پادشاه یهود هستم. پیلاتس جواب داد: آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام و تغییر نخواهد کرد (یوحنا، ۱۹: ۲۲).

این واقعه در متن M4574 این‌گونه شرح داده شده است:
... او را به همراه گناه‌کاران مصلوب کردند. آنگاه پیلاتس مهره‌ای به عبرانی، یونانی و رومی نوشت و از آن دار آویخت و نوشت که این است عیسای ناصری، شاه یهودان. کسی که این را بازخواند، چنین داند که تقصیری بر او یافت نشد/ بی‌گناه است (Boyce, 1975: 131).

در پای صلیب، مریم، مادر عیسی، خاله عیسی، مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند. عیسی پس از آنکه با اسفنجی به شراب آمیخته، رفع تشنگی می‌کند، جان می‌سپرد. سران قوم یهود نمی‌خواستند جسد او بالای دار بماند؛ پس از پیلاتس خواستند آن را پایین بیاورد. ساعتی بعد، یکی از بزرگان یهود به نام یوسف، که شاگرد پنهانی عیسی بود، نزد پیلاتس رفت تا اجازه دفن او را بگیرد. یوسف پس از کسب اجازه، جسد عیسی را از بالای صلیب پایین کشید و آن را در کفن پیچید و در قبری تازه گذاشت که کسی پیش از آن در آن دفن نشده بود و شبیه غار بود. تمام کار کفن و دفن انجام شد. همه دیدند که جسد عیسی در قبر گذاشته شد (یوحنا، ۱۹: ۲۵-۳۰).

در روز یک‌شنبه، صبح خیلی زود، مطابق با انجیل یوحنا (۱: ۲۰) مریم مجدلیه، مطابق انجیل مرقس (۱۶: ۱) مریم مجدلیه، سالومه و مریم، مادر یعقوب و در انجیل لوقا (۲۴: ۱) و انجیل مرقیون (۱۳۹۵: ۲۹۸) ذکر زنان بدون نام آنها، برای مالیدن عطریات نزد گور عیسی می‌روند (در متن پارتی پیش رو نیز می‌بینیم که از مریم و سالومه و بسیاری زنان دیگر یاد شده است که در هنگام خروس‌خوان به نزدیک قبر عیسی می‌روند)؛ اما جسد را نمی‌بینند. متن پارتی در اینجا آسیب دیده است. با توجه به انجیل یوحنا، شاید در اینجا اشاره به درون قبر رفتن مریم مجدلیه و دیگر کسان شده است و اینکه در قبر فقط کفن خالی مانده و پارچه‌ای را که با آن سر و صورت عیسی را بسته بودند، به دور

از کفن افتاده بوده است (یوحنا، ۲۰: ۷-۱). همه به خانه باز می‌گردند. مطابق انجیل یوحنا (۲۰: ۱۱)، مریم مجدلیه، منطبق با یکی از مزامیر خداوندگار هراکلیدس (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲) نیز مریم مجدلیه و در متن پارتی حاضر، مریم، سالومه و ارسینا بر سر گور عیسی حاضر می‌شوند. در اینجا باید افزود که در زبور مانوی، این سه زن بسیار ستایش شده‌اند؛ چنان‌که مریم روح خرد، سالومه فیض آرامش خوانده شده و آرسنونه کسی است که مسیح تاج گل حقیقت بر سرش نهاده است (همان: ۱۷۵). در آنجا آنان با دو فرشته روبه‌رو می‌شوند که در متن پارتی و انجیل یوحنا بدان‌ها اشاره شده است (یوحنا، ۲۰: ۱۲). و در انجیل گنوسی مرقیون (۱۳۹۵: ۲۹۸)، از دو مرد با جامه‌هایی برآق سخن گفته شده است. در متن پارتی و انجیل مرقیون آن دو مرد (فرشته)، گوشزد می‌کنند که عیسی زنده را در میان مردگان مجوید. آنان پیش‌گویی عیسی در جلیله را یاد زنان می‌آورند که گفته بود چون او را به صلیب کشند و به خاک بسپارند، پس از سه روز، رستاخیز خواهد کرد. پس از این، از زن/ زنان می‌خواهند که به نزد حواریون دیگر بروند و واقعه رستاخیز را شرح دهند.

در انجیل یوحنا آمده است پس از آنکه مریم مجدلیه، عیسی را در گورش نمی‌یابد و با دو فرشته روبه‌رو می‌شود که از او می‌پرسند به چه دلیل گریه می‌کند، او در پاسخ نبود جسد عیسی را در قبر دلیل می‌آورد. در همین هنگام، ناگاه احساس می‌کند که کسی پشت سر او ایستاده است. برمی‌گردد و نگاه می‌کند. عیسی است؛ اما مریم او را نمی‌شناسد و گمان می‌کند که باغبان است. عیسی از او می‌پرسد چرا گریه می‌کنی؟ مریم به گمان اینکه او جنازه را برده است، می‌خواهد که جسد عیسی را باز گرداند. عیسی مریم را صدا می‌زند: مریم! مریم باز می‌گردد و عیسی را می‌شناسد و می‌خواهد که به او دست بزند؛ اما عیسی می‌گوید: «به من دست زن؛ چون هنوز نزد پدرم بالا نرفته‌ام» (یوحنا، ۲۰: ۱۱-۱۷).

این رخداد، اگرچه در این متن پارتی حاضر نیامده، در متون مانوی غربی دیده می‌شود. در مزامیر خداوندگار هراکلیدس، واقعه چنین شرح شده است:

مریم، مریم! مرا بشناس / به من دست زن / سرشک دیدگانت را بند آور / و بدان که من سرور توأم / مباد به پیکرم دست فراز بری / چه هنوز چهره پدر را ندیده‌ام / خداوندگارت را نه ربوند / به پاس اندیشه‌های خردت / خداوندگارت نمرد / بل بر مرگ چیره گشت / باغبان نی‌آم، پیش کشم بخشیده‌اند / رستگاری فرا پذیرفته‌ام / بر

تو آشکار نشدم تا اشک‌هایت را دیدم و اندوهت را/ اندوه از خویش بزدای و
 بدین پرستاری در آی/ بیامیرم باش و یتیمان سرگردان را دست فراز گیر/ بشتاب
 به شادخواری/ و سوی یازده فرشته فراز رو (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

پس از آنکه عیسی بر دیگر یاران خود نیز پس از رستاخیز حاضر می‌شود، ضمن سرزنش آنان به دلیل نپذیرفتن سخنان مریم، از آنان می‌خواهد به سراسر دنیا روند و پیام انجیل را به همه برسانند. پس از آن، طبق انجیل مرقس (۱۶: ۹) «به آسمان بالا رفت و دست راست خدا نشست». در متن مانوی نیز او در پهلوئی راست نشسته است؛ چنان‌که در متن پارتی M4570، او در دست راست خداوند می‌نشیند؛ آنگاه که به آسمان می‌رود: «اکنون پسر انسان را فراز ببینید که بر دست راست نیرو/ خداوند می‌نشیند؛ زمانی که به ... آسمان می‌آید» (Boyce, 1975: 129). در زمموری نیز می‌خوانیم:

او از مرگ گریخت؛ از میان ظلمت گریخت/ زندانیان ظلمت را رهایی
 بخشید/ که با مرگ ستیزه می‌کردند/ مرگ به بازجست او بود، چیزی از او
 نیافت/ نه گوشت، نه خون، نه هیچ چیز/ تا بخورد و بیاشامد/ نه استخوان، نه
 رگ و پی/ که هر روز از آن همی خورد/ چیزی همانند خویش در او نیافت/ نه
 آتش، نه آرزو (شهو) // ... دیرها و پرستشگاه‌های کهن را ویران کرد/ نخست
 راستکار را از نو جان بخشید/ و آنان را با او نزد پدر فراز برد/ او در میان
 زندگان، در سمت راست پدر نشست (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

این نکته را هم باید افزود در متن شاپورگان، پیوسته دینداران در سمت راست و بدکاران در طرف چپ می‌نشینند (Mackenzie, 1979: 506, 508). نیز باید یادآور شد که پیوسته در مزامیر مانوی از عیسی خواسته می‌شود که دست راست خود را به استغاثه‌گر ببخشد (همان: ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۴۴، ۲۳۸).

مطابق با متن پیش‌نوشته، این نکته را نیز باید افزود که در نظر مانویان، مثل سایر گروه‌های گنوسی، عقیده به رستاخیز جسمانی غیر عقلانی است؛ زیرا جسم به آفرینش پست مادی تعلق دارد و البته هدف گنوستیک، آزادکردن روح از جسم خاکی بوده است؛ بنابراین، اگر رستاخیز عیسی جسمانی می‌شد، بدان معنا می‌بود که او از بند جسم نرهیده است (هالروید، ۱۳۹۵: ۷۷؛ دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۵).

به این نکته نیز با توجه به متن زبور که گفته شده است عیسی در میان زندگان نشسته، باید دقت داشت که مطابق با کیش مانی، زنده کسی است که از تن و جهان گسیخته است و اتفاقاً جهان مادی، جهان مردگان است؛ چنان که در متن M7 II v i، دور شدن از جهان ایزدان، گرفتار دشمنانی شدن است که انسان را به جهان مردگان راه می‌نمایند (Boyce, 1975: 106)؛ از این روی است که خطاب به عیسی که به صلیب کشیده شده است و او را کشتند، مرده نمی‌گویند؛ بلکه در مزامیر مانوی، او کسی است که مردگان را نکوهیده است (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۲۴۷)؛ یعنی همان کسانی که او را کشتند. در متن‌های شرقی مانویان نیز می‌بینیم که بزرگان، زنده (zīwandag) خوانده می‌شوند؛ مثلاً مارزکو یا خود مانی (Boyce, 1975: 46, 140).

نتیجه

بر همه پژوهندگان کیش مانی روشن است که مانویّت از جمله فرقه‌های گنوسی است که دربردارنده بسیاری از باورها و اندیشه‌های دیگر گنوسیان است. گنوسی‌ها از میان انجیل‌های رسمی، به انجیل یوحنا و تا اندازه‌ای انجیل مرقس توجه ویژه دارند و از آن متأثر شده‌اند؛ زیرا این انجیل با اندیشه‌های گنوسی، به‌ویژه در مسئله مصلوب کردن عیسی و رستاخیز او از گور، منطبق‌تر است؛ بر این بنیان، طبیعی است که مانویان نیز چون دیگر گروه‌های گنوسی، از انجیل یوحنا متأثر شده باشند؛ از همین روی نگارنده با تکیه بر متن پارتنی (M18+M2753) که درباره تصلیب و رستاخیز عیسی است، به تأثیرپذیری مانویان از این انجیل پرداخته و نشان داده است که مانی و مانویان، مستقیم یا غیرمستقیم، به دلیل داشتن اندیشه‌های گنوسی، در موضوع تصلیب عیسی، چه در کلیات و چه در جزئیات، بسیار از انجیل یوحنا متأثر شده‌اند. البته در برخی نکات نیز تفاوت دیده می‌شود که وقتی به متن‌های دیگر مانوی نگاه می‌کنیم، این تفاوت‌ها برداشته می‌شود و متن‌های مانوی با انجیل یوحنا انطباق می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. انجیل‌های جعلی به انجیل‌های غیررسمی گفته می‌شود که مسیحیان غیرراست‌کیش آن را نگاشته‌اند. از جمله این انجیل‌ها می‌توان به انجیل توماس، انجیل حقیقت، انجیل به روایت مریم مجدلیه، انجیل فیلیپ و انجیل مرقیون اشاره کرد که در آنها عناصر گنوسی دیده می‌شود و دربردارنده تقابل با برخی باورهای راست‌کیشان است.

۲. مرقیون اهل سینوپ در صدر مسیحیت، از بزرگان گنوسی است که خود دین عیسی داشت، میان رفتار عدالت‌محورانه خداوند در عهد عتیق که هر تخطی از قوانینش را پادافره می‌دهد و خدای بخشش و محبت که عیسی آن را تبلیغ می‌کند، تعارض می‌بیند و دچار شگفتی می‌شود. نیز او می‌پرسد: اگر خداوند توانا به هر کار است و خیر، پس این همه رنج و شر در هستی چیست؟ سرانجام به این نتیجه می‌رسد که جهان دو خدا دارد: یکی خدای کیفردهنده عهد عتیق یا همان یهوه عبری؛ خدایی که دنیا و تن اهریمنی را آفریده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۳۱) و خدای متعالی که همان خدای عیسی است (کیسپل، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۲؛ بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴: ۱۵۲).
۳. روح زنده، مهرایزد یا ایزد جهان‌آفرین که پس از رهایی هرمزدبغ و فرزندانش، از وجود ارکان تاریکی جهان را می‌آفریند.
۴. در اندیشه‌های مانوی، آتش با اهریمن پیوندی ناگسستنی دارد و گویی آتش در مواقعی خود اهریمن است. در این باره بنگرید: زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۷۷، ۸۳، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۹۸، ۲۲۶، ۳۰۵. گفتنی است در زبور مانوی (همان: ۴۹، ۸۱)، مغانی که سبب کشته‌شدن مانی شدند، به‌کنایه «پرستاران آتش» یا «کودکان آتش» خوانده می‌شوند؛ یعنی به گونه‌ای آنها با شیطان در پیوند نشان داده شده‌اند.
۵. درباره صلیب روشنی آمده است: «از آنجا که عیسای مصلوب در جهان قطعه‌قطعه شده و سلطه ننگ‌آمیز بدی را هر لحظه بر دوش می‌کشد، مؤمنان از هر عمل خشونت‌باری درباره طبیعت، یعنی صلیب روشنی، به‌دقت پرهیز می‌کنند» (دکره، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۷). «چلیپای نور را شناخته‌ام، بدان ایمان آورده‌ام/که به کیهان حیات می‌بخشد» (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).
۶. از اعیاد سه‌گانه یهودان که یک هفته طول می‌کشد.

منابع

- آسموسن، جس پیتیر (۱۳۷۳). «مانی و دین او: بررسی متون»، در: آیین گنوسی و مانوی، ویراسته: میرچا الیاده، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز، ص ۱۸۹-۲۱۳.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷). *مانی به روایت ابن‌ندیم*، تهران: طهوری.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۹۰). *زیر آسمانه‌های نور*، تهران: قطره.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *اسطوره آفرینش در آیین مانی*، تهران: کاروان.
- انجیل عیسی مسیح*. (بی‌تا). بی‌جا: بی‌نا.
- انجیل مرقیون* (۱۳۹۵). در: *ادبیات گنوسی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: هیرمند، ص ۲۷۵-۳۰۰.

- بهار، مهرداد؛ اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *ادبیات مانوی*، تهران: کارنامه.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۹). *آثار الباقیه عن القرون الخالیة*، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- پیکلز، الین (۱۳۹۴). *انجیل‌های گنوسی*، ترجمه: ماشاءالله کوچکی میبیدی، تهران: علمی فرهنگی.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۸۸). *مقالات تقی‌زاده (درباره مانی)*، تهران: توس.
- دکره، فرانسوا (۱۳۸۰). *مانی و سنت مانوی*، ترجمه: عباس باقری، تهران: فرزانه روز.

متن پارتی مانوی تصلیب عیسی (M18+M2753) و تأثیرپذیری آن از انجیل یوحنا / ۴۷

دیویس، جی. گ. (۱۳۷۳). «کیش مانوی و مسیحی»، در: *آیین گنوسی و مانوی*، ویراسته: میرچا الیاده، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ص ۱۶۱-۱۶۹.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۷۷). «محاكمه و مصلوب کردن عیسی مسیح در متون مانوی»، در: *مهر و داد و بهار (یادنامه استاد دکتر مهرداد بهار)*، به کوشش: امیرکاووس بالا زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

زبور مانوی (۱۳۸۸) ترجمه قبطی به انگلیسی: چارلز رابرت سیسل آلبری، ترجمه انگلیسی به فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره.

زوندرمان، ورنر (۱۳۹۳). *اندروز منوهمد روشن (آموزه‌ای از مانویت خاوری، متن‌های ویراسته پهلوانیگ و سغدی)*، ترجمه: رحمان بختیاری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سولیانو، یوان پترو (۱۳۷۳). «کیش گنوسی از سده‌های میانه تا اکنون»، در: *آیین گنوسی و مانوی*، ویراسته: میرچا الیاده، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ص ۵۵-۷۳. شکرى فومشى، محمد (۱۳۸۲). «مبانی عقاید گنوسی در مانویت»، در: *نامه ایران باستان*، س ۳، ش ۱، ص ۳۵-۶۶.

کفالایا (نسخه موزه برلین) (۱۳۹۵). برگردان تطبیقی از ترجمه آلمانی و انگلیسی نسخه قبطی: مریم قانعی و سمیه مشایخ، تهران: طهوری. کلیم‌کایت، هانس یواخیم (۱۳۸۴). *هنر مانوی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره.

کیسپل، گیلز (۱۳۷۳). «کیش گنوسی از آغاز تا سده‌های میانه»، در: *آیین گنوسی و مانوی*، ویراسته: میرچا الیاده، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ص ۱۱-۵۴. کیسپل، گیلز (۱۳۹۵). «کیش گنوسی از آغاز تا سده‌های میانه»، در: *ادبیات گنوسی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: هیرمند، ص ۹۵-۱۲۳.

نیولی، گرادو (۱۳۷۳). «مانی»، در: *آیین گنوسی و مانوی*، ویراسته: میرچا الیاده، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ص ۱۰۵-۱۱۷. نیولی، گرادو (۱۳۹۵). «مانی و کیش مانوی»، در: *ادبیات گنوسی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: هیرمند، ص ۱۵۵-۱۸۸.

هاکس، مستر (۱۳۸۳). *قاموس کتاب مقدس*، تهران: اساطیر.

هالروید، استوارت (۱۳۹۵). *ادبیات گنوسی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره.

Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Acta Iranica vol. 9, Leiden: Téhéran- Liège.

Lieu, Samuel N. C. (1992). *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China, Historical Survey*, 2nd ed., Tübingen.

- Mackenzie, D. N. (1979). "Mani's Sabuhragān", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, vol. 42, No. 3, pp. 500-534.
- Morano, E. (2000). "A Survey of the Extant Parthian Crucifixion Hymns", in: E. Emmerick, W. Sundermann and P. Zieme (eds.), *Studia Manichaica, IV*. Internationaler Kongress zum Manichäismus, RBerlin, pp. 398-429.
- Morano, Enrico (1998). "My Kingdom is not of this World: Revisiting the Great Parthian Crucifixion Hymn", In: *N. Sims Williams, Edited, Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies, Held in Cambridge, 11 th to 15 th September 1995, Part 1: Old and Middle Iranian Studies*, Wiesbaden, pp. 131-145.
- Sundermann, W. (1973). *Mittelpersische und Parthische Kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*, Berlin: Akademie-Verlag.